

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۸، پیاپی ۱۴۸، تابستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۹۵-۶۵

چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داران گیلان عهد قاجاری (۱۳۰۰-۱۳۳۵ق/۱۸۸۲-۱۹۱۷م)^۱

زلیخا غفاری رودسری^۲
مه‌دی عبادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵

چکیده

در عصر قاجاریه، گیلان به عنوان تولیدکننده عمده ابریشم و مرکز اصلی تجارت خارجی ایران از طریق دریای خزر، جایگاه چشمگیری در اقتصاد کشوری و منابع درآمد دولت مرکزی داشت. با وجود این، فراگیری بیماری کرم ابریشم در گیلان در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م. و همچنین بی‌توجهی حکومت قاجاریه به این مسئله، موجب کاهش زیاد تولید محصول ابریشم در گیلان شد. با اعتراض نوغان‌داران گیلانی و تجار تبعه دول بیگانه به این شرایط و مواجه شدن دولت با ضرر مالی هنگفت مالی ناشی از آن، اقداماتی برای بهبود اوضاع صنعت ابریشم و نوغان‌داران گیلانی صورت گرفت. در این پژوهش با رویکرد تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، وضعیت صنعت ابریشم در دوره قاجاریه طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۳۵ق/۱۸۸۲-۱۹۱۷م. مورد بررسی قرار گرفته و اقدامات دولت قاجاریه و تلاش‌های تجار برای احیای دوباره این صنعت ارزشمند گیلان تبیین شده است. بنا بر یافته‌های این پژوهش، اولین اقدام دولت در این زمینه، واردات تخم نوغان توسط تجار خارجی بود. شکل‌گیری ادارات دولتی مرتبط با صنعت ابریشم به منظور رسیدگی به امور تجار خارجی و همچنین تشویق و ترغیب نوغان‌داران گیلانی برای شروع مجدد به کار نوغان‌داری، از جمله اقداماتی بود که برای احیای صنعت ابریشم در گیلان انجام گرفت.

واژه‌های کلیدی: گیلان، قاجاریه، اقتصاد گیلان، صادرات گیلان، ابریشم، رشت، لاهیجان

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.43171.2767

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.58.3.4

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
zoleykhaghaffari@yahoo.com

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. mebadi@pnu.ac.ir

مقدمه

ابریشم گیلان یکی از اقلام صادراتی ایران از گذشته‌های دور به‌خصوص از زمان صفویه به حساب می‌آید و در اقتصاد ایران تأثیر بسزایی داشت. این محصول در دوره قاجار به لحاظ تولید، کمیت و کیفیت فراز و نشیب‌های زیادی داشت. به سبب نزدیکی گیلان - به عنوان مرکز عمده تولید ابریشم ایران - به روسیه و وجود راه آبی دریای خزر و مرزهای زمینی نظیر راه‌های تبریز - خوی - جلفا - ایروان - تفلیس و یا تبریز - خوی - ارزروم - طرابوزان، بخش عمده‌ای از تجارت ابریشم این منطقه از طریق راه‌های مذکور، به‌ویژه از طریق دریای خزر و بنادر آن انجام می‌گرفت. بنا بر اطلاعات موجود، در این دوره گیلان حدود ۸۰٪ ابریشم ایران را تأمین می‌کرد و از تجارت ابریشم هم دولت قاجاریه، هم تجار ایرانی و هم دول بیگانه سود فراوانی می‌بردند. در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م. با شیوع بیماری کرم ابریشم - که به از بین رفتن تخم نوغان در گیلان منجر شد - به یکباره اقتصاد گیلان با بحران شدیدی مواجه گردید. با از بین رفتن تخم نوغان، نوغان‌داران گیلانی برای تولید ابریشم با مشکل جدی روبه‌رو شدند و وارد کردن تخم نوغان از ولایات دیگر ایران، از جمله مازندران و خراسان نیز جواب‌گوی نیاز نوغان‌داران نبود. این شرایط منجر به ضررهای شدید مالی دولت قاجاریه، تجار و اهالی گیلان گردید. نگارندگان پژوهش حاضر بر آن‌اند که با تکیه بر اسناد، سیاست‌های دولت قاجاریه و اقدامات تجار دول بیگانه و همچنین تجار ایرانی و اهالی گیلان برای احیای صنعت ابریشم را بررسی و تبیین قرار دهند. گفتنی است با توجه به نقصان اطلاعاتی منابع مکتوب و مدون برای بررسی روند تاریخی شیوع بیماری کرم ابریشم و مواجه شدن نوغان‌داران با کمبود تخم نوغان و در پی آن بروز بحران اقتصادی در گیلان و نیز در سطح گسترده‌تر در ایران و تلاش‌ها و اقدامات صورت‌گرفته برای خروج از این بحران، عمدتاً از اسناد آرشیوی دوره قاجاریه استفاده شده است.

پیش از پژوهش حاضر، در برخی مطالعات به بحث ابریشم در گیلان پرداخته شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله‌های «ابریشم گیلان» نوشته جهانبخش ثواقب^۱، «نقش ابریشم گیلان در روابط خارجی ایران عصر قاجار» به قلم عباس پناهی^۲ و «ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۲۴۳-۱۳۲۷ق/۱۸۲۸-۱۹۰۹م)»

۱. جهانبخش ثواقب (تابستان ۱۳۸۱)، «ابریشم گیلان»، نشریه فلسفه و کلام: شناخت، شماره ۳۴، صص ۱۴۵-۱۷۶.

۲. عباس پناهی (بهار ۱۳۹۹)، «نقش ابریشم در روابط خارجی ایران عصر قاجار»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره ۲۲، صص ۱-۲۶.

نگاشته سید رحمان حسینی^۱ و کتاب *صنعت نوغان گیلان در مسیر جاده ابریشم* تألیف عباس پناهی و سید حسین حسینی مقدم^۲ و همچنین پایان نامه‌ای با عنوان «نقش عوامل داخلی و خارجی بر تجارت ابریشم از دوره ناصری تا پایان عصر رضاشاه» نوشته نادیا ره^۳ اشاره کرد که در آنها به بحث‌هایی در مورد صنعت ابریشم، از دوران باستان تا دوره‌های متأخر پرداخته شده است. به‌رغم انتشار این پژوهش‌ها، تاکنون به شکل بایسته مقوله احیای صنعت ابریشم در گیلان دوره قاجاریه بعد از معیوب شدن تخم نوغان، به صورت سندی مطالعه و بررسی نشده است. در واقع، استفاده از اسناد و منابع آرشیوی مرکز اسناد وزارت امور خارجه می‌تواند بخشی از خلأ اطلاعاتی موجود درباره احیای صنعت ابریشم در دوره قاجاریه (طی سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۳۵ق/ ۱۸۸۲-۱۹۱۷م) در گیلان را جبران کند.

تولید تخم نوغان و ابریشم در گیلان تا سال ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۲م.

از گذشته‌های دور، به‌ویژه از دوره صفویه به بعد، ابریشم یکی از محصولات صادراتی ایران به شمار می‌رفت (دین‌پرست، ۱۳۹۰: ۱-۲۰). گیلان از مناطقی بود که در راستای رشد تجاری، به‌خصوص تجارت ابریشم در دوره صفوی اهمیت یافت؛ زیرا از مراکز عمده تولید ابریشم بود و ابریشم نقشی مهم در اقتصاد تجاری عصر صفوی داشت (شورمیج، ۱۳۹۴: ۱۲۶). مارکوپولو که در اواخر قرن هفتم قمری/ سیزده میلادی به ایران آمده بود، در سفرنامه خود اشاره کرده است که بازرگانان و تجار جنوائی - که در آن عصر از طریق دریای خزر با ایران مناسبات تجاری داشتند - با مردم گیلان در زمینه ابریشم به تجارت مشغول بوده‌اند (مارکوپولو، ۱۳۵۰: ۳۱، ۳۵). تجار جنوائی از طریق دریای خزر به گیلان می‌آمدند و به‌صورت ابریشم ایران می‌پرداختند (ن.ک. به: دین‌پرست و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۸). علاوه بر این، جنوائی‌ها نیز درصدد بودند با ایجاد خط کشتی‌رانی در دریای خزر، ابریشم شمال ایران و حتی چین را از راه ولگا- دن به اروپا صادر کنند و این بدین معناست که آنها برای دست یافتن به ابریشم گیلان تلاش‌هایی کردند (گابریل، ۱۳۴۸: ۵۶-۵۸). تولید ابریشم در گیلان در ادوار بعد نیز ادامه

۱. سید رحمان حسینی (بهار ۱۳۸۶)، «ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد بایگانی (۱۲۴۳-۱۳۲۷ق/ ۱۸۲۸-۱۹۰۹م)»، *نشریه تاریخ روابط خارجی*، شماره ۳۰، صص ۸۶-۱۰۹.

۲. عباس پناهی و سید حسین حسینی مقدم (۱۴۰۱)، *صنعت نوغان گیلان در مسیر جاده ابریشم*، رشت، دانشگاه گیلان.

۳. نادیا ره (۱۳۹۶)، «نقش عوامل داخلی و خارجی بر تجارت ابریشم از دوره ناصری تا پایان عصر رضاشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

داشت؛ محصول ابریشم ایران در سال ۱۰۸۱هـ.ق/۱۶۷۰م. حدود ۶۳۳ هزار مَن برابر با یک میلیون و نهصد هزار کیلوگرم ذکر شده است که مقدار ۴۲۳ هزار مَن آن در گیلان به عمل آمده بود (ن.ک. به: جمال‌زاده، ۱۳۶۱: ۲۴). بنا بر راپورت «جونس هنوی»^۱ مدیر تجارت ابریشم در گیلان، در سال ۱۱۵۷ق/۱۷۴۴م. محصول ابریشم ۳۶،۳۳۵ مَن بود و به سبب تقاضای زیاد از طرف تجار دول بیگانه، ۱۵۰ درصد بر قیمت ابریشم افزوده شد. با توجه به اینکه از ابتدای قرن سیزده قمری/نوزده میلادی مصرف و قیمت ابریشم هر روز در فرنگستان (قاره اروپا) افزایش می‌یافت، به تبع آن تولید ابریشم نیز در ایران افزایش پیدا کرد؛ تا جایی که در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م. به ۴۳۰ هزار مَن رسید که از این مقدار ۲۰۳،۴۰۰ مَن صادر می‌شد (ن.ک. به: همان، ۲۵).

به‌طور کلی، در دوره قاجار ایالات شمالی ایران (گیلان، مازندران و استرآباد) و نیز خراسان، آذربایجان، یزد و کاشان مهم‌ترین مراکز تولید و پرورش کرم ابریشم محسوب می‌شدند (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۸۶/۱؛ جمال‌زاده، ۱۳۶۱: ۲۴). در این میان، بیش از ۸۰٪ تولید و پرورش ابریشم در گیلان انجام می‌شد (تاج‌بخش، ۱۳۶۲: ۲۶۴). بیماری کرم ابریشم در اروپا و شرق و در پی آن شیوع بیماری در ایران در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م. فراگیر شد؛ به همین دلیل تولید ابریشم به شدت رو به کاهش گذاشت تا جایی که در سال ۱۲۹۴ق/۱۸۷۷م. محصول ابریشم ایران به ۳۳،۸۰۰ مَن کاهش یافت که ۱۴ هزار مَن از آن سهم ایالت گیلان بود (بنجامین، ۱۳۹۱: ۲۵). دوره طلایی محصول ابریشم گیلان بین سال‌های ۱۲۶۶-۱۲۸۲ق/۱۸۵۰-۱۸۶۴م. بود که در این زمان درآمدها براساس نرخ واقعی بالا بود. در این دوره، ابریشم ۹۰٪ صادرات گیلان را تشکیل می‌داد و مالیات‌ها از محصول ناخالص پرورشگاه‌های کرم ابریشم جمع‌آوری می‌شد (فلور، ۱۳۹۹: ۴۲۱). با بروز بیماری در کرم ابریشم و کاهش محصول ابریشم، اهالی گیلان نتوانستند مالیات‌های خود را پرداخت کنند و درصدد پناه بردن به مساجد و تقاضا برای عفو مالیات برآمدند (ن.ک. به: فلور، ۱۳۹۹: ۴۲۲). در نتیجه، بسیاری از نوغان‌داران با تبدیل توستان‌ها به برنج‌زار و همچنین خشک کردن نزارها، به کاشت برنج و توتون روی آوردند؛ به طوری که در سال ۱۲۸۳ق/۱۸۶۶م. میزان برنج تولیدی تقریباً ۴۸ کرور مَن (۷۲ میلیون کیلوگرم) بوده و در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م. به ۱۲۰ کرور مَن (۱۸۵ میلیون کیلوگرم) رسید؛ این بدین معناست که در مدت یازده سال سه برابر شده بود (جمال‌زاده، ۱۳۶۱: ۲۱-۲۴؛ سیف، ۱۳۹۸: ۱۸۲؛ ملک‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۴۸؛ رابینو، ۱۳۹۳: ۳۸؛ همو، ۱۳۷۴: ۴۶).

قبل از شیوع بیماری کرم ابریشم، تخم نوغان در ایالات ایران به عمل می‌آمد و دادوستد آن رایج نبود، ولی پس از شیوع بیماری مزبور، ممالک اروپا به ناگزیر تخم نوغان را از ممالک شرق خریداری کردند. در این میان، ایران که هر ساله مقدار زیادی از ابریشم تولیدی خود را به خارج صادر می‌کرد، مقدار زیادی تخم نوغان نیز صادر می‌کرد (جمالزاده، ۱۳۶۱: ۲۷). با شیوع بیماری کرم ابریشم در اواسط سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م، عامل جدیدی پدیدار شد. تداوم بیماری در میان تخم نوغان محلی باعث شد واردات تخم نوغان، برای ادامه تولید، اهمیت درخور پیدا کند و پیامد آن فعال شدن سرمایه تجاری در تولید ابریشم بود (سیف، ۱۳۷۳: ۱۱۷). اولین اروپایی که به گیلان برای خرید تخم نوغان آمد، فردی ایتالیایی در سال ۱۲۷۵ق/۱۸۵۸م بود (جمالزاده، ۱۳۶۱: ۲۷)، اما در سال ۱۲۷۶ق/۱۸۵۹م. به دلیل ضرر ناشی از فروش تخم نوغان و منافات داشتن این کار با منافع اقتصادی ایران، دولت قاجاریه در پی حکمی به حاکم و کارگزاران گیلان، معامله و حمل و نقل تخم نوغان به خارج از کشور را ممنوع کرد (کاووسی، ۱۳۸۶: ۲۹۴/۱۳۴، ۲۹۵، ۳۰۱). با وجود ممنوع بودن فروش این محصول، عده‌ای به‌طور پنهانی و در ازای دریافت پول بیشتر، همچنان به فروش آن مبادرت می‌ورزیدند (همان، ۲۵۸، ۳۰۲). در سال ۱۲۷۹ق/۱۸۶۲م. به دلیل اصرار زیاد اروپایی‌ها، حکومت ایران قراردادی را با تجار ایتالیایی امضا کرد که براساس آن، تجار این کشور اجازه یافتند به مدت چهار سال در گیلان به خرید تخم و پیلۀ ابریشم بپردازند (همان، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۹). طولی نکشید که بیماری کرم ابریشم در گیلان نیز شایع شد تا جایی در سال ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م. به دلیل شیوع بیماری، اهالی گیلان مجبور شدند تخم نوغان از مازندران و خراسان بیاورند (همان، ۲۹۰، ۳۰۳)، اما این کار هم به واسطه شیوع بیماری مزبور به سایر ایالات ایران، متوقف شد؛ به همین دلیل در سال ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹م. فرنگی‌هایی که در گیلان ساکن بودند، به واردات تخم نوغان از ژاپن روی آوردند (همان، ۳۱۱؛ اینووه، ۱۳۹۰: ۹۸). تا سال ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹م. شرکت یونانی «برادران رالی» -تحت حمایت بریتانیا- موقعیت غالبی را در واردات و توزیع تخم‌های کرم ابریشم سالم به دست آورد و گفته می‌شود که دوسوم محصول آن سال، تولید تخم ژاپنی وارداتی بود که توسط عواملش وارد گیلان شد. پس از خروج برادران رالی از تجارت در ایران در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م، موقعیت آن به تدریج توسط یک شرکت یونانی دیگر به نام «برادران پاسکالیدی» تصاحب شد (ن.ک. به: Seyf, 1983: 55-56). در سال ۱۳۱۱ق/۱۸۹۳م، چهارهزار تلمبار به وسیله شرکت پاسکالیدی کنترل می‌شد که طبق گزارش‌ها، یک سال بعد به ۲۱،۱۰۰ رسید. این شرکت برای خشک کردن پیلۀ ابریشم و بسته‌بندی ابریشم خام به صورت عدل و صدور آن به اروپا، تأسیسات موقتی در گیلان ایجاد

کرده بود (ن.ک. به: سیف، ۱۳۷۳: ۱۱۸).

در سال ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م. تولید تخم نوغانی که مختص منطقه گیلان بود، به‌طور کامل منحل شد؛ چنان‌که تا سال ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م. تخمی که در شمال ایران به عمل می‌آمد، مخلوطی از تخم ژاپنی و خراسانی بود (جمالزاده، ۱۳۶۱: ۲۷). در این سال تجارت‌خانه یونانی «پاسکالیدیس و برادران»^۱ تخم نوغان بغدادی‌الاصول را وارد کردند که در بروسه (آسیای صغیر) به عمل می‌آمد. به دنبال این مهم، تجارت‌خانه‌های دیگری نیز توسط اتباع عثمانی و روسیه برای وارد کردن تخم نوغان عثمانی در رشت تأسیس شدند. با این اوصاف، تخم نوغان وارداتی توسط تجار و اتباع روسیه، در مقایسه با واردات تجار و اتباع عثمانی میزان کمتری برآورد شده است (کاوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۴/۲۸۳-۲۸۴، ۲۸۹). به دنبال بیماری کرم ابریشم در بین اواسط دهه ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م، عنصر جدیدی برای تولید ابریشم معرفی شد. ادامه بیماری در بین تخم‌های کرم ابریشم محلی، باعث شد تخم‌های سالم به گیلان وارد شود و این امر باعث مشارکت بازرگانان در تولید ابریشم شد (Seyf, 1983: 55).

اقدامات تجار برای حل مشکل فقدان نوغان و رونق دوباره صنعت ابریشم

در نتیجه مشارکت فعالانه تجار اتباع دولت‌های عثمانی، فرانسه و روسیه در واردات تخم نوغان به گیلان و تغییر تخم نوغان، تولید پیله ابریشم در این منطقه رو به افزایش گذاشت. جالب توجه اینکه تخم وارداتی توسط یونانی‌های تبعه عثمانی از اسلامبول، باعث منسوخ شدن استفاده از تخم نوغان خراسان از سوی نوغان‌داران گیلان شد (فریدالملک، ۱۳۵۱: ۱۹۴). با رواج واردات تخم نوغان به گیلان، کار عمل آوردن تخم نوغان در گیلان به کلی تعطیل شد و از ۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م. به بعد، واردات تخم نوغان عثمانی به ایران رو به رشد گذاشت. از این رو، میزان محصول ابریشم نیز کم‌کم افزایش پیدا کرد تا جایی که میزان محصول ابریشم حدود ۱،۸۱۴،۵۰۰ کیلوگرم تخمین زده شده است. بر این اساس، در ایران سالیانه ۱۸۰ تا ۱۹۰ هزار من ابریشم به عمل می‌آمد که بنا بر برآوردی،^۲ یازدهم آن در گیلان تولید می‌شد (رابینو، ۱۳۷۴: ۴۶؛ جمالزاده، ۱۳۶۱: ۲۵). با ورود تخم نوغان، محصول ابریشم گیلان طی سال‌های ۱۳۱۱-۱۳۱۴ق/۱۸۹۳-۱۸۹۶م. بسیار خوب گزارش شده است (ملک‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۹۲-۱۹۳).

در کنار فعالیت یونانی‌های تبعه عثمانی در گیلان که در امر تجارت تخم نوغان و تجارت

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۷۱

ابریشم حضوری فعال داشتند، برخی تاجران یونانی تبعه فرانسه هم برای تجارت در گیلان قراردادهایی منعقد کرده بودند و برخی از آنها نمایندگی‌های بازرگانی در رشت داشتند (ساکما، ۲۴۰/۱۵۱۲۱، ۲۴۰/۳۵۶۵، ۲۴۰/۱۵۱۲۱؛ استادوخ، سند شماره ۹۱، ۹۵؛ ن.ک. به: جدول شماره ۱). مسیو کانکلاری^۱ یونانی تبعه فرانسه و ساکن لاهیجان و فعال در امر تجارت تخم نوغان و ابریشم، با شرکت عمومی در رشت قراردادی منعقد و قبول کرد که از سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۳م. به مدت پنج سال، همه ساله سه هزار قوطی تخم ابریشم در اختیار این شرکت قرار دهد. در مقابل، این شرکت نیز متعهد شده بود سالی دوهزار تومان در قبال این مقدار تخم نوغان به او بپردازد. همچنین براساس این توافق، مقرر شده بود قسط نخست مبلغ مذکور در ۲۰ مارس ۱۹۰۳ / ۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۲۰ پرداخت شود (استادوخ، سند شماره ۲۲، ۹۵).

جدول شماره ۱: نمایندگی‌های بازرگانی در رشت در سال ۱۳۲۳-۱۳۲۵ق/۱۹۰۶-۱۹۰۸م
(منبع: رابینو، ۱۳۷۳: ۳۱۲؛ اوین، ۱۳۶۲: ۱۵۱؛ کسمائی، ۱۳۸۵: ۲۵۱-۲۵۲؛ عیسوی، ۱۳۸۸: ۳۵۵)

درصد	نماینده در رشت	نمایندگی‌های بازرگانی
۳۱	خود شرکت	شرکت مستعمراتی ایتالیایی، میلان
۲۵	پاپادوپولوس	سیمون میرزا یانس، مارسی
۲۱/۶۰	خودشان	ترای پاین و شرکا ^۲ ، لیون
۶/۳۰	بانک روس	شابریمورل و شرکا، مارسی
۶/۳۰	لیلاتنیه	خانم گارنیه کوآنژ، مارسی
۰/۹۰	امین الضرب	محمد اصفهانی، مارسی
۱/۵۰	خودشان	شرکت واردکنندگان جزء گملک
۲/۸۰	خودشان	ترای پاین و شرکا، مارسی
۲/۵۰	خودشان	ک. ژ. بوله و شرکا ^۳ ، لیون
۲/۱۰	خودشان	برادران پدرونی ^۴ ، میلان
	خودشان	چایچی‌ها

تجار دول بیگانه در مقابل عرضه تخم نوغان به نوغان‌داران گیلانی، پیله ابریشم از آنان

۱. Kankelari. مسیو کانکلار یونانی تبعه فرانسه بود که در امر تجارت تخم نوغان و ابریشم فعالیت داشت (استادوخ، سند شماره ۲۲).

2. Terrail-Payen et Cie

3. Bonnet

4. Pedronif Freres

خریداری می‌کردند. این کار باعث شد تجار مذکور به تأسیس کارخانه و تلمبارهای^۱ فراوان و واردات دستگاه‌های خفه‌کن-خشک‌کن پيله در گیلان اقدام کنند. البته این‌گونه اقدامات تجار دول بیگانه، با اجازه وزارت امور خارجه ایران انجام شد. گفتنی است که بدون اجازه مخصوص دولت قاجاریه، اتباع خارجه حق ساختن کارخانه را نداشتند و در صورت اقدام در این زمینه بدون أخذ اجازه، از تأسیس کارخانه ممانعت می‌شد (استادوخ، سند شماره ۷۷؛ ن.ک. به: جدول‌های ۲ و ۳). از ۱۳۱۶ق/۱۸۹۸م. به بعد تجار دول بیگانه و همچنین تاجران گیلانی علاوه بر تأسیس تلمبار (ن.ک. به: جدول‌های ۲ و ۳)، تخم نوغان مورد نیاز رعایایی را هم فراهم می‌کردند که قدرت خرید آن را نداشتند. از این رو، در فصل برداشت محصول، ابریشم به سه قسمت مساوی میان سرمایه‌گذار، مالک زمین و رعیت که زحمت به عمل آوردن محصول را می‌کشید، تقسیم می‌شد. در نتیجه این رویکرد، کیفیت و کمیت محصول نوغان افزایش یافت تا جایی که بنا بر برخی اظهار نظرها، اهالی گیلان در این زمان متمول شده بودند (فریدالملک، ۱۳۵۱: ۱۹۴). همچنین در این دوره، از وجود حدود نودهزار تلمبار در گیلان گزارش داده شده است و هر تلمبار در سال‌هایی که محصول به دست آمده پربار بود، ۵۰ تا ۵۵ کیلو و کلیه تلمبارها حدود ۴/۵ تا ۵ میلیون کیلو پيله حاصل می‌داد (رابینو، ۱۳۷۳: ۱۷۶).

جدول شماره ۲: مالکان گیلانی صاحب تلمبار (منبع: همان، ۳۱۱)

نام مالک	محل تلمبار
آقا سید رضی	فومن
آقا میرجلیل	فومن
سردار منصور	در روستاهای مختلف
امین الدوله	لشت نشا
امین‌الدیوان	لاهیجان
معین‌السلطنه	در روستاهای مختلف
مفخرالملک	لاهیجان
سردار معتمد	تولم

۱. تلمبار یا تلمبار: مکانی به شکل اتاقی دراز برای نگهداری و پرورش کرم ابریشم. بنایی بود که نوغان‌داران شمالی با بهره‌گیری از تنه و شاخه‌های درختان جنگلی در کنار محوطه توتستان‌ها برای پرورش کرم ابریشم می‌ساختند. در اصل این لفظ اصطلاح اهالی گیلان بود که بعدها در جاهای دیگر هم مورد استفاده قرار گرفت (دهخدا، ذیل کلمه تلمبار).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۷۳

نام مالک	محل تلمبار
حاجی خمامی	خمام
حاجی آقارضا	موازی
معین الممالک	طاهرگوراب
ناصرالملک	بوسار و چوکام
شریعتمدار	موازی
حاجی آقاجلیل	موازی
حاجی اعتمادالعلما	موازی
شریف العلما	موازی
حاجی قوامالتجار	موازی
عمیدالسلطنه	طالش
ضرغام السلطنه	طالش
سپهدار اعظم (نصر السلطنه)	تنکابن

بنا بر اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۲، صاحبان گیلانی تلمبار در این دوره، در واقع مالکان زمین‌های وسیعی در گیلان بودند. این مالکان خود اقدام به ساخت تلمبار می‌کردند و یا زمین‌های خود را برای این مهم به تجار اتباع دول بیگانه اجاره می‌دادند (ن.ک. به: جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: فهرست اسامی مالکان دستگاه‌های خفه‌کن-خشک‌کن در گیلان

(منبع: رابینو، ۱۳۷۳: ۳۱۶-۳۱۷)

رشت: معین الممالک، آ. لاسکاریدیس، برادران پاسکالیدیس، د. پیلیدیس، علی اف، امین‌الضرب، برادران رضایف، برادران تومانیانتس، ه. پاپادوپولوس، ستی فیکوایتالیانو، س. آلسیانتس، برای پاین و شرکا، ک. ژ. بونه، میرزا محمدعلی، ژ. دیمتریادیس، میرزا بارونیانتس، ت. چاکوناس، آوتیس هورد انانیانتس، ا. ج. کالوستیان، برادران ظریفیان، حاجی ملک، برادران پاپادوپولوس، ساریبالاسی، چالیس دیمتری، کوسیس و تئوفیلاکتوس، حاجی آقا، ح. آ. ا. ایپکچی، صمدخان تاجر باشی، آگاول، ملیک الهوردوف، برادران تومانیانتس
لاهیجان: امین‌الضرب، برادران پاسکالیدیس، برادران تومانیانتس، پاپادوپولوس، پیناتزیس و کنقلری، ب. کوثری، برای پاین و شرکا، ژ. پاپادوپولوس، ن. یاواش اوغلو، آ. پپیریدس، س. کریتیکو
کسما: د. پ. پیلیدس، حاجی احمد

لنگرود: رسول اف، برادران پاسکالیدیس، پیناتزیس و کنقلری، ژرژیادس، ترای پابن و شرکا
لشت نشاء: امین‌الدوله
چکاور: لاسکاریدس
کسگر: پاپادوپولوس
بوسار: اساتون دروکانف، محمد مرعی، آ. پیناتزیس، حسین آقا، مدبرالملک، شرکت توکلی، معین‌السلطنه، مهدی قاسم
انزلی: برادران رمضان اف
فومن: پیلیدس، سید علی تبریزی
عربان: ظریفیان
شفت: علیخان شفتی
تنکابن: سپهدار (نصرالسلطنه)

تجار دول بیگانه از طریق تأمین تخم نوغان نوغان‌داران گیلانی، سود هنگفتی به دست می‌آوردند و افزون بر آن، خود نیز با اجاره زمین و تأسیس تلمبار، در تولید ابریشم مشارکت می‌کردند (ن.ک. به: جدول شماره ۳). همچنین با بررسی میزان صادرات پیلۀ ابریشم از رشت طی سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۷ق/۱۸۹۳-۱۹۰۰م. مشخص می‌شود اصلاحاتی که در زمینه تخم نوغان و تولید ابریشم صورت گرفته بود، در افزایش محصول تأثیر مطلوبی داشت؛ به طوری که در سال ۱۳۱۰ق/۱۸۹۳م. صادرات پیلۀ ابریشم از رشت ۳۵ هزار کیلو و در سال ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م. ۷۳۳ هزار کیلو گزارش شده است. به عبارت دیگر، میزان محصول طی سال‌های مذکور تقریباً بیست برابر شده بود (ن.ک. به: جدول شماره ۴). در سال ۱۳۱۰ق/۱۸۹۳م. «چرچیل» کنسول بریتانیا در رشت، به این پیشرفت‌های جدید خوش‌بین بود و اظهار داشت که: «پیش‌بینی می‌شود این صنعت که طی سال‌های اخیر با کشت برنج و تنباکوی سیگار در این ایالت تقریباً از بین رفته بود، با انرژی جدید از سر گرفته شود» (ن.ک. به: فلور، ۱۳۹۹: ۴۱۲).

جدول شماره ۴: میزان صادرات پیلۀ کرم ابریشم از رشت (ن.ک. به: سیف، ۱۳۹۸: ۱۸۱-۱۸۲)

سال میلادی / قمری	وزن (به کیلو)	ارزش (به لیره)
۱۳۱۰ / ۱۸۹۳	۳۵,۰۰۰	۶,۴۷۵
۱۳۱۱ / ۱۸۹۴	۷۶,۰۰۰	۱۱,۷۸۰
۱۳۱۲ / ۱۸۹۵	۱۰۷,۰۰۰	۱۵,۵۰۵
۱۳۱۳ / ۱۸۹۶	۱۰۴,۰۰۰	۱۴,۰۴۰
۱۳۱۴ / ۱۸۹۷	۱۵۷,۰۰۰	۲۳,۵۵۰
۱۳۱۵ / ۱۸۹۸	۲۷۹,۰۰۰	۵۵,۸۰۰
۱۳۱۶ / ۱۸۹۹	۵۳۵,۰۰۰	۱۱۲,۳۵۰
۱۳۱۷ / ۱۹۰۰	۷۳۳,۰۰۰	۱۵۰,۲۶۵

اقدامات دولت قاجار برای احیای صنعت ابریشم گیلان

با از بین رفتن تخم نوغان در گیلان و واردات آن توسط تجار اتباع دول بیگانه، گیلان شاهد ورود گسترده تجار ایرانی و خارجی در دوره مذکور بود. ورود گسترده اتباع بیگانه به گیلان برای تجارت تخم نوغان و پیلۀ ابریشم و همچنین تأسیس کارخانجات و تلمبارهای بسیار برای تولید محصول ابریشم، برای مدتی کوتاه باعث رشد و افزایش تولید محصول مذکور گردید، اما به مرور زمان شرایط تغییر یافت. به علت تخلفاتی که تجار دول بیگانه مرتکب می شدند، مشکلات متعددی رخ نمود که آزار و اذیت اهالی گیلان را در پی داشت؛ به همین دلیل اقداماتی از سوی دولت قاجار برای رفع مشکلات به وجود آمده توسط اتباع دول بیگانه در گیلان و به ویژه احیای دوباره صنعت ابریشم در منطقه ضرورت یافت. از اقدامات مهم دولت قاجاریه در گیلان در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. تأسیس دفتر کارگزاری در گیلان به عنوان نماینده وزارت امور خارجه در رشت، از جمله کارهای مهمی بود که توسط حکومت قاجاریه در این دوره انجام شد. این کارگزار موظف بود در رفع اغتشاش و فراهم آوردن شرایط گفت و گو میان اتباع خارجه و داخله در موسم تخم نوغان و پیلۀ نقش مؤثری ایفا کند. وجود تلگرافهای متعددی که میان تجار و وزارت خارجه و یا کارگزاری با وزارت خارجه انجام گرفته است، به خوبی این مهم را نشان می دهد (استادوخ، سند شماره ۵۵). یکی از تلگرافها - که مشکلات به وجود آمده به سبب مراجعه نکردن به کارگزاری برای انجام معامله را نشان می دهد - گویای آن است که تلگراف سفارت عثمانی در تهران به وزیر امور خارجه در اول ذی قعدة ۱۳۱۷ / ۳ مارس ۱۹۰۰، بعضی

از اتباع عثمانی از اهالی طرابوزان که به مدت سه سال به تجارت تخم نوغان در رشت مشغول بودند، طبق یک قرارداد مقدار زیادی تخم نوغان به شخصی به نام میرزا غلامعلی‌خان از معتبرین رشت فروخته بودند، ولی در فصل عمل پيله، این فرد از گرفتن تخم‌ها منصرف شد و تاجر عثمانی را با ضرر مواجه کرد؛ به همین دلیل آنها هم به کارگزاری گیلان و سفارت عثمانی شکایت کردند (استادوخ، سند شماره ۱۵، ۸؛ ساکما، ۲۴۰/۳۵۶۵). در واقع، گاهی معامله بین تاجر خارجه و اهالی گیلان، به درگیری و بروز مشکلاتی منجر می‌شد. بر این اساس، در سال ۱۳۱۷ق/۱۸۹۹م. برای جلوگیری از درگیری میان فروشندگان و خریداران تخم نوغان و پيله ابریشم، از سوی دولت قاجاریه به کارگزاری گیلان دستور داده شد معامله تخم نوغان در گیلان باید طبق اجازه و مهر کارگزاری وزارت امور خارجه در رشت انجام شود (استادوخ، سند شماره ۱۵؛ ساکما، ۲۴۰/۳۰۴۱۷). در پی این دستورالعمل، قراردادهایی که برای فروش یا برای پرورش تخم نوغان، میان اهالی گیلان با تبعه خارجی منعقد می‌شد، باید به ثبت و مهر کارگزاری گیلان می‌رسید. اگر این دستورالعمل رعایت نمی‌شد، امکان لغو قرارداد از طرف معامله‌کنندگان و یا از طرف کارگزاری وجود داشت که در نتیجه آن، تاجر تخم نوغان زیان زیادی را متحمل می‌شدند (استادوخ، سند شماره ۱۷، ۳، ۵۵).

ب. جلوگیری از انجام بیع شرطی در زمان خرید و فروش تخم نوغان و پيله ابریشم، از اقدامات مهمی بود که دولت قاجاریه در حمایت از نوغان‌داران گیلانی در مقابل تاجر دول بیگانه انجام داد. رعایای گیلانی که پول خرید تخم نوغان را نداشتند، به ناگزیر خرید تخم نوغان از تاجر دول بیگانه را به صورت بیع شرطی انجام می‌دادند. بر این اساس، تاجر خارجی در قبال فروش تخم نوغان به اهالی گیلان، قبالجات ملکی آنها را به عنوان سند و گرو دریافت می‌کردند و بعد از برداشتن محصول از تخم نوغان و پرداخت بدهی، قباله ملک را به صاحب ملک برمی‌گرداندند. در این میان، اگر خریدار از انجام تعهدات خود باز می‌ماند، تاجر ملک فرد خریدار را در قبال بدهی تصاحب می‌کردند (استادوخ، سند شماره ۱۳۹). این کار باعث ورشکستگی بسیاری از اهالی گیلان و مبتلا شدن آنها به فقر و بدبختی می‌شد. برای حل این مشکل، از طرف وزیر امور خارجه ایران به کارگذار گیلان دستور داده شد این نوع قبالجات ملکی و بعضی اسناد بیع شرط را قبل از مهر و ثبت بررسی کند تا دو طرف در نتیجه آن دچار ضرر و زیان نشوند. در ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۱۸ / ۴ آپریل ۱۹۰۱ دستور داده شد قرارداد اشخاصی که برای املاک خود با تبعه خارجی قرارداد معامله تخم نوغان می‌بندند، باید به ثبت و مهر رسمی کارگذاری برسد و قبل از مهر کردن قرارداد، باید تحقیقات لازم از شرایط دو طرف به

عمل آید. براساس این دستورالعمل و در صورت صلاحدید، کارگزاری موظف به مهر و ثبت قرارداد می‌شد تا پایان کار اختلاف و درگیری به وجود نیاید و در صورت بروز مشکل و اختلاف، کارگذاری طبق مفاد قرارداد بتواند به مشکلات آنها رسیدگی کند (استادوخ، سند شماره ۳). در تلگراف مورخ ۲۲ شوال ۱۳۲۳ / ۲۰ دسامبر ۱۹۰۵، باز هم وزارت امور خارجه ایران به کارگذار گیلان درباره مهر و ثبت نکردن قبالات ملکی و بعضی از بیع شرطنامه‌ها قبل از تحقیق در مورد دو طرف از نظر مالی تأکید کرده است (استادوخ، سند شماره ۲۶۶).

ج. اگرچه با ورود تخم نوغان توسط تجار خارجی به گیلان، محصول ابریشم تا حدودی رو به بهبودی رفت، اما در این میان مشکلاتی برای نوغان‌داران گیلانی به وجود آمد. بعضی از تجار خارجی و داخلی به طمع سود بیشتر، تخم ابریشم معیوب را به جای تخم مرغوب به قیمت گران به نوغان‌داران گیلانی می‌فروختند و نوغان‌داران هم بعد از تحمل زحمت زیاد در بستن تلمبار و نگهداری کرم‌ها، متوجه معیوب بودن تخم‌ها می‌شدند و در پایان فصل نمی‌توانستند محصول چندانی برداشت کنند (ملک‌آرا، ۱۳۵۵: ۱۹۲-۱۹۳). بنا بر گزارشی در ۱۷ محرم ۱۳۱۸ / ۱۷ می ۱۹۰۰ شخصی به نام نیکلا^۱ تبعه عثمانی، با فروش تخم نوغان معیوب به محتشم‌الملک^۲ باعث متضرر شدن او به مبلغ هشتصد و پنجاه تومان شده بود (استادوخ، سند شماره ۸۱). براساس گزارش دیگری مربوط به سال ۱۳۲۲ق/ ۱۹۰۴م، خرابی تخم نوغان منجر به عدم توانایی اهالی گیلان به‌خصوص لنگرود و رانکوه در پرداخت بدهی آنها به اتباع خارجه از بابت خرید تخم نوغان شده بود. نوغان‌داران این شهر به علت فشار آوردن اتباع خارجه برای دریافت بدهی‌شان، به‌ناچار در خانه امام جمعه لنگرود بست نشستند (استادوخ، سند شماره ۷۸، ۴، ۳۱، ۳۵). استفاده از امتیاز نشان شرکت‌های معتبر فعال در

۱. نیکلا لاسقاریدیس در جوانی به دادوستد ابریشم روی آورد. حدود سال ۱۳۲۰ق/ ۱۹۰۲م. به بهانه حضور در ایران، با رجال سیاسی ارتباط پیدا کرد و به مرور خود را همه‌کاره صنعت ابریشم گیلان دانست. نیکلا لاسقاریدیس در بیشتر شهرهای گیلان شعبات پيله و نوغان داشت. وی در انقلاب مشروطه به سبب نزدیکی با حکومت گیلان که حامی محمدعلی شاه بودند، از مشروطه‌خواهان دوری کرد و تا می‌توانست علیه آزادی‌خواهان گیلان تحریکاتی انجام داد. وی در گنجه رودبار کارخانه روغن زیتون راه‌اندازی کرد و تا چندی بعد از شهریور ۱۳۲۰ش. در قید حیات بود. به علت گستردگی املاک و مراکز توزیع تخم نوغان و جایگاه‌های پيله، اداره لاسقاریدیس نمایندگانی را به عنوان عوامل ارتباطی برای سرپرستی این جایگاه‌ها در استخدام خود داشت (امیری، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

۲. صادق‌خان ملقب به محتشم‌الملک، از مالکان بزرگ گیلان و حاکم و وکیل دوره قاجار بود (چرچیل، ۱۳۶۹: ۱۵۶).

گیلان، از جمله راه‌هایی بود که افراد سودجو برای وارد کردن تخم نوغان تقلبی استفاده می‌کردند. عریضه‌های شرکت‌های معتبر تبعه عثمانی، مانند میرزا هاریطون کالوستیان، بزanos و پاسقالدیس در سال ۱۳۲۲ق/۱۹۰۴م. در مورد استفاده از نشان دولتی شرکت آنان توسط شرکت‌های خرده‌پا و نامعتبر برای وارد کردن تخم نوغان تقلبی و تأیید صحت ادعاهای آنان بعد از انجام تحقیقات لازم از طرف کارگزاری مهام خارجه گیلان، وجود این واقعیت را ثابت می‌کند (استادوخ، سند شماره ۵، ۱۳، ۵۹، ۶۰، ۱۸). دولت قاجاریه برای جلوگیری از ورود تخم نوغان تقلبی به گیلان، اداره‌ای برای معاینه تخم نوغان تأسیس کرد. وزیر امور خارجه ایران با مسیو نوز^۱ وزیر گمرکات و پست، در ۲ جمادی‌الآخر ۱۳۲۱/۲۶ آگوست ۱۹۰۳ این مسئله را در میان گذاشت تا یکی از متخصصان تخم نوغان را به مدت سه تا چهار سال استخدام و برای معاینه و بررسی کیفیت تخم نوغان، در گمرک انزلی مستقر کند و مکانی را نیز برای انجام این کار اختصاص دهد (استادوخ، سند شماره ۲۱).

د. از دیگر اقدامات دولت قاجاریه برای احیای صنعت ابریشم، فرستادن افرادی به اسلامبول در سال ۱۳۲۱ق/۱۹۰۴م. برای یادگیری فن‌آحداث کارخانه و آوردن تخم نوغان بود تا پس از فراغت از تحصیل، به ایران مراجعت و آن را ترویج کنند (استادوخ، سند شماره ۱). با وجود معاینه تخم نوغان در اداره گمرک انزلی، واردات تخم نوغان تقلبی باعث به وجود آمدن وضعیت اسفناک برای نوغان‌داران گیلانی، به‌خصوص اهالی لاهیجان و لنگرود شد که بیشتر از سایر ولایات گیلان ابریشم تولید می‌کردند. ضرر تجار لاهیجانی از معیوب بودن تخم نوغان و عریضه‌های متعدد آنها به کارگذاری مهام خارجه گیلان در سال ۱۳۲۳ق/۱۹۰۵م. و درخواست کمک از سوی آنها برای نجات از دست تجار خارجی برای ادای اقراضشان، وضعیت کلی زندگی آنها را نشان می‌دهد (استادوخ، سند شماره ۶۷، ۶۵، ۴۶). اهالی گیلان برای جلوگیری از ورود تخم نوغان تقلبی به این منطقه، در تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۲۳/۱۸ نوامبر ۱۹۰۵م، درخواست استخدام دو متخصص تخم نوغان از اسلامبول برای معاینه تخم نوغان وارداتی در گمرک را کردند (استادوخ، سند شماره ۵۵).

د. در پی ضررهای مکرر اهالی گیلان و اتباع خارجه از بابت خرابی و معیوب بودن تخم نوغان و کاهش محصول پيله ابریشم، اهالی از دولت اجازه تشکیل شرکت با مشارکت هموطنان و رعایای گیلانی به منظور مبارزه با آفت زراعت ابریشم و اصلاح تخم نوغان و توسعه زراعت ابریشم را خواستار شدند (استادوخ، سند شماره ۲۵، ۲۶). نگرانی از این

مشکلات، باعث شد حکومت قاجاریه دست به تأسیس «اداره نظارت بر محصول ابریشم در ایران» برای افزایش محصول ابریشم و تجارت آن بزند. مکاتبات وزارت امور خارجه ایران با مختارالسلطنه، کارگزاری گیلان و سفارت عثمانی، نگرانی دولت قاجار از خرابی تخم نوغان و کاهش محصول ابریشم در این زمان مهم را به خوبی نشان می‌دهد. در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۳/۲۳ فوریه ۱۹۰۶ از طرف وزارت خارجه به مختارالسلطنه، توضیح داده شده است که به علت خرابی تخم نوغان و کاهش مقدار حاصل ابریشم در این سال اخیر به ثلث، دولت ناگزیر از تأسیس اداره برای صاحب این محصول و پیشرفت این تجارت و اصلاح مفاسد آن شد و این اداره را به ارباب حاج محتشم‌السلطنه واگذار کرد (استادوخ، سند شماره ۱۰۰، ۱۱۳). پیشنهاددهندگان برای عملی کردن طرح خود، ناگزیر بودند حکومت قاجاریه و سفرای دول بیگانه را که اتباع آنان در گیلان به تجارت تخم نوغان و ابریشم مشغول بودند، با این طرح همراه کنند. این در شرایطی بود که حکومت قاجاریه برای تأسیس اداره مذکور نمی‌خواست هزینه‌ای پرداخت کند و از سوی دیگر، تجار خارجی هم نمی‌خواستند مال‌التجاره آنها در گمرک مورد معاینه قرار گیرد. بهانه سفرای مذکور برای مخالفت با این طرح این بود که مال‌التجاره به مدت طولانی در راه بوده‌اند و اگر مدتی نیز در گمرک بماند، معیوب شدن آنها حتمی خواهد بود؛ درحالی‌که آنها در واقع برای پرداخت نکردن هزینه این معاینات، با این طرح مخالفت می‌کردند (استادوخ، سند شماره ۱۰۰، ۵۷، ۵۴). برای حل مشکل اول و اطمینان دادن به دولت قاجاریه در مورد اینکه در صورت اجرای این طرح، ضرر مالی به دولت وارد نخواهد شد، مقرر گردید در گمرک در ازای هر جعبه تخم نوغان وارداتی، علاوه بر رسم گمرکی، مبلغی اضافی دریافت کند تا از این طریق هم موجب معلمان مدرسه و کارکنان اداره جدیدالتأسیس تأمین شود و هم فواید زیادی به دولت و رعیت عاید گردد و در عین حال، از ضرر و تقلب ممانعت به عمل آید (استادوخ، سند شماره ۵۵). همچنین برای حل مشکل دوم، وزیر امور خارجه ایران با سفرا و کنسول‌های دول بیگانه در تهران و گیلان به مذاکره پرداخت و این استدلال را مطرح کرد که تجار ابریشم غالباً از اتباع دولت فرانسه می‌باشند و حاصل ابریشم، بیشتر در خاک فرانسه مصرف می‌شود؛ به همین دلیل در صورت معیوب شدن تخم نوغان، ضرر تجارت آن به تجار فرانسه خواهد رسید (استادوخ، سند شماره ۱۰۰). همچنین نصرالله مشیرالدوله وزیر امور خارجه، در ۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۳/۳۰ دسامبر ۱۹۰۵ با سفارت عثمانی بر اهمیت این موضوع تأکید کرد که چون خسارت تخم نوغان و عدم معاینه آن و عدم نظارت بر محصول ابریشم واضح‌تر از آن است که محتاج اظهار باشد و به همین سبب تمام دول به ترتیبی مقرر داشته‌اند تا حافظ حقوق مباشرین این کار باشند و به علت فساد آن به

۸۰ / چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داران گیلان عهد ... / غفاری رودسری و ...

تجار و فلاح خسارت وارد نیاید؛ لهذا دولت علیه ایران هم از هذمه‌السنه نیلان‌نیل امتیاز و ترتیبی برای این کار تأسیس و اداره آن را به جناب مستطاب اجل حاجی محتشم‌السلطنه تفویض فرموده است که به تکالیف مقرر آن اقدام نمایند (استادوخ، سند شماره ۱۰۶، ۷۸-۷۸/۱).

دولت قاجاریه به پیشنهاد تجار تخم نوغان و پیلۀ ابریشم و نوغان‌داران گیلانی، برای جلوگیری از واردات تخم نوغان تقلبی به گیلان و رهایی مردم از مشکلات ناشی از آن، در شوال ۱۳۲۳/ دسامبر ۱۹۰۵م. «اداره نظارت محصول ابریشم» به سرپرستی حاجی محتشم‌السلطنه را با تدوین نظام‌نامه معتبر تأسیس کرد (استادوخ، سند شماره س ۱/۷۰، ۲/۷۰، ۳/۷۰، ۴/۷۰، ۵/۷۰). بعد از تصویب نظام‌نامه، از طرف اداره مرکزی نظارت محصول ابریشم ایران، به همه مالکان و تجار و رعایای ایران اعلام شد که به منظور جلوگیری از معیوب شدن تخم نوغان و برای فراهم آوردن موجبات ترقی و رواج مال‌التجاره مذکور، همگی موظف به اجرای قوانین مندرج در نظام‌نامه می‌باشند. انزلی، مشهدسر و قوچان از مناطقی بودند که از طرف اداره مرکزی متخصص برای تخم نوغان فرستاده شد و همچنین دو اداره برای این کار، یکی در تهران و دیگری در رشت تأسیس شد (استادوخ، سند شماره ۴۰). با وجود مخالفت‌های بسیار تجار تبعه عثمانی با طرح و نظام‌نامه مذکور، اداره نظارت کار خود را در ذی‌الحجه ۱۳۲۳/ ژانویه ۱۹۰۶ آغاز کرد. محتشم‌السلطنه در پیشرفت کار اداره جدید بسیار تلاش کرد و بدون اینکه دولت کمکی کند، از اروپا معلم استخدام و اسباب و لوازم این کارها را فراهم کرد و دو سال هم در گیلان ماند تا معاینه تخم نوغان به دقت صورت گیرد. یکی از معلمانی که محتشم‌السلطنه استخدام کرد، «مسیو لدیش» نام داشت. وی یکی از معلمان بزرگ و رئیس مدرسه‌ای در فرانسه برای همین کار بود. سالی سه‌هزار تومان مواجب به او می‌داد (مشروح مذاکرات مجلس ملی). از کسان دیگری که محتشم‌السلطنه برای رسیدگی به بررسی تخم نوغان در رشت استخدام کرد، «ف. لافون» فرانسوی مهندس کشاورزی بود. لافون در گزارشی به محتشم‌السلطنه گفته بود روش‌های مبارزه با بیماری کرم ابریشم و راه‌های ضد عفونی کردن تلمبارها را به نوغان‌داران آموخته است. وی به همراه رابینو، کنسول انگلیس در گیلان، کتابی در زمینه صنعت نوغان در ایران تألیف کرد که در آن به همه فنون صنعت نوغان اشاره کرده است (رابینو و لافون، ۱۳۷۲: ۳۱۹-۳۲۹).

محتشم‌السلطنه در گمرک انزلی کسانی را مستقر کرد که در زمینه معاینه تخم نوغان تخصص داشتند تا تخم نوغان‌های وارداتی را بررسی کنند و اقلامی را که مورد تأیید قرار

گرفتند، باندرل^۱ ایرانی بچسبانند. همچنین طبق نظام‌نامه، اقالام معیوب معدوم می‌شدند و یا عودت داده می‌شدند (استادوخ، رابینو ۵۴، ۷۲، ۶۰، ۱۰۹). در انزلی به این دلیل که محل مناسبی برای نگهداری تخم‌ها وجود نداشت، از هر صندوقی که حاوی تخم نوغان بود، نمونه‌برداری می‌کردند. تخم‌ها را بعد از امتحان و الصاق باندرل‌های مزبور، به صاحبان آن برمی‌گرداندند (استادوخ، سند شماره ۱۰۳، ۷۲). خرید تخم نوغان توسط اهالی گیلان بعد از اجازه اداره نظارت صورت می‌گرفت تا مردم از خرید تخم فاسد خودداری کنند (استادوخ، سند شماره ۱۹۳).

با وجود مخالفت‌های مکرر دولت عثمانی برای لغو قانون معاینه تخم نوغان وارداتی توسط اتباع عثمانی، دولت قاجاریه همچنان به کار خود ادامه داد. در ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ / ۱ دسامبر ۱۹۰۸ سفارت عثمانی طی تلگرافی از وزارت خارجه ایران درخواست کرد جعبه‌های دارای باندرل وارد شده توسط اتباع عثمانی به گیلان، از معاینه معاف شوند. وزیر امور خارجه ایران در جواب این درخواست در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶ / ۱۱ دسامبر ۱۹۰۸ متذکر شد که به دلیل لطیف بودن تخم نوغان و احتمال خرابی آن به هنگام حمل و نقل، لازم است همه جعبه‌های تخم نوغان مورد معاینه قرار بگیرند (استادوخ، سند شماره ۳۱). در پی اعتراض صورت‌گرفته به أخذ حق‌المعاینه تخم نوغان توسط اداره نظارت نوغان، وزارت خارجه به سفارت‌های آلمان، اتریش و بلژیک در ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ / ۱۸ جولای ۱۹۰۸م اعلان کرد به این دلیل که اداره مذکور موظف است ارائه محصول سالم به نوغان‌داران را تضمین کند، لازم است کسانی که از تجارت آن سود می‌برند، در تأمین مخارج مربوط نیز مشارکت کنند و به ازای هر جعبه محتوی تخم نوغان، ده شاهی به عنوان حق‌المعاینه بپردازند (استادوخ، سند شماره ۱۹).

با وجود تشکیل «اداره نظارت محصول ابریشم»، همچنان تعدادی از اتباع عثمانی با تبانی با اداره مذکور می‌توانستند تخم نوغان تقلبی وارد کنند (استادوخ، سند شماره ۶۵). با این اوصاف، با کوشش‌های فراوان و با نظارت بر تخم نوغان وارداتی به گیلان، در مجموع تا حدودی محصول ابریشم افزایش یافت و اهالی گیلان به نسبت سال قبل از محصول خود رضایت داشتند. در نامه محمد مهدی، کارگزار لنگرود و لاهیجان، به تاریخ ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ / ۲ ژوئن ۱۹۰۶، به بهبود محصول پیله گیلان در این دوره و آسایش اهالی اشاره شده است (استادوخ، سند شماره ۱۹، ۲۲۲). بدین ترتیب، در سال‌های بعد نیز تعداد فزاینده‌ای از

۱. کاغذ باریک چاپ‌شده که به سر شیشه یا چیز دیگری می‌چسبانند و نشانه نو بودن و کیفیت کالا بوده است (دهخدا، ذیل کلمه باندرل).

۸۲ / چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داران گیلان عهد ... / غفاری رودسری و ...

روستاییان به نوغان‌داری مشغول شدند که در نتیجه آن، تولید و صادرات ابریشم از گیلان به اروپا و روسیه فزونی گرفته بود (ن.ک. به: جدول شماره ۴).

جدول شماره ۵: مراکز خرید پيله در گیلان (منبع: رابینو، ۱۳۷۳: ۱۸۰-۳۱۰)

مقدار پيله تر بر حسب من شاه (۵/۹۴۰ کیلو)		مراکز خرید
سال ۱۳۲۴/م ۱۹۰۶ ق	سال ۱۳۲۳/م ۱۹۰۵ ق	
۲۷۵،۲۰۰	۲۱۲،۰۴۰	رشت
۱۹،۲۰۰	۱۴،۰۰۰	آبکنار
۸۰،۶۰۰	۹۳،۶۱۰	لاهیجان
۴۵،۵۰۰	۳۸،۷۵۰	لنگرود
۳،۵۰۰	۳۵،۵۰۰	عربان
۱۲/۰۰۰	۴/۰۰۰	لشت نشا
۱،۵۰۰	۴،۰۰۰	رشت آباد
۸،۰۰۰	۱۷،۶۰۰	انزلی
-	۲،۰۰۰	کسگر
۱۳،۰۰۰	۱۲،۰۰۰	فومن
۵،۰۰۰	۳،۰۰۰	شفق
۲۰،۵۰۰	۱۰،۰۰۰	چکاور
۲۰،۰۰۰	-	کسما
۲،۵۰۰	-	بوسار
۵،۵۰۰	-	تنکابن
۵۱۳،۰۰۰	۴۴۶،۵۰۰	مجموع

براساس اطلاعات ارائه شده در جدول شماره ۵، با اجرای اصلاحاتی که توسط دولت قاجار صورت گرفت، میزان محصول پيله در بیشتر مناطق گیلان در سال ۱۳۲۴ ق/۱۹۰۶ م. نسبت به سال قبل افزایش پیدا کرده بود.

نتیجه گیری

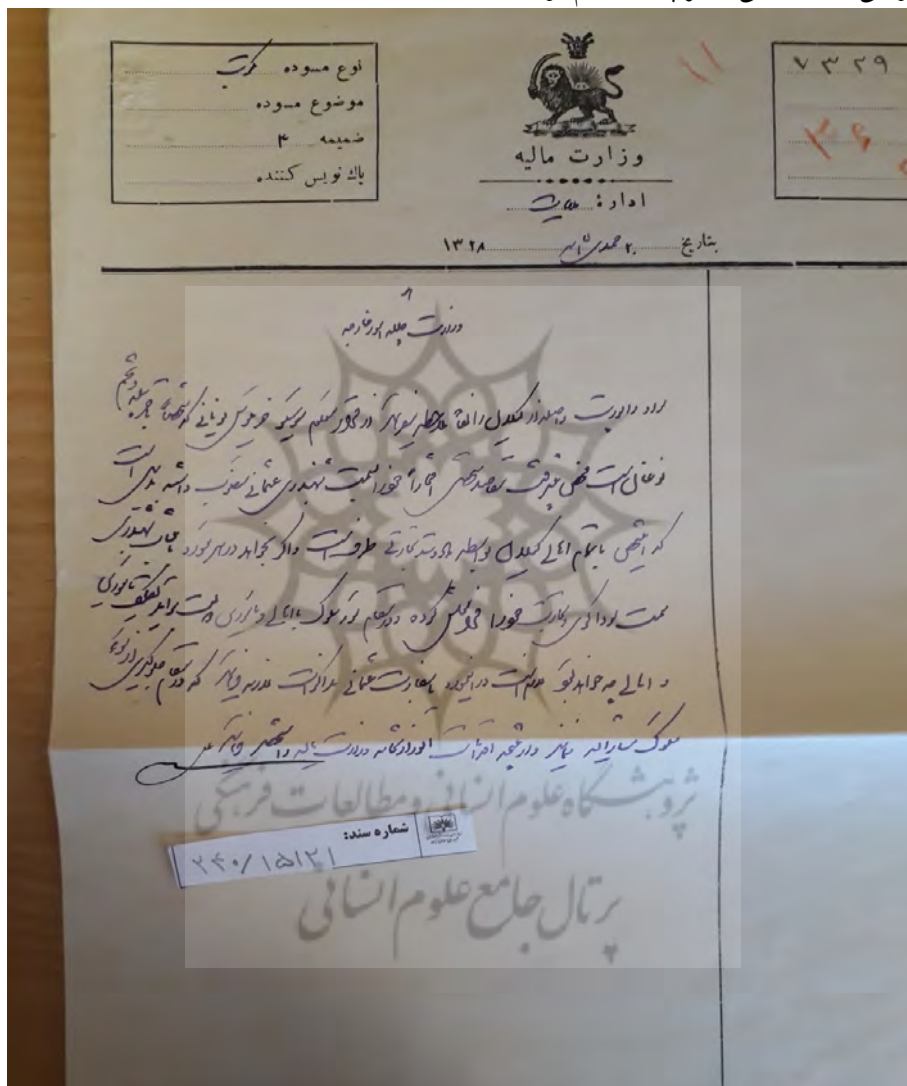
در آغاز فراگیری آفت ابریشم در گیلان، اقدام مؤثری از سوی شاه، دربار و دولت صورت نگرفت، ولی با جدی تر شدن مسئله کاهش شدید درآمد دولت به علت عدم برداشت

نوغان‌داران گیلان از محصول ابریشم، اقدام به حل مشکل کردند. در پی اعتراضات نوغان‌داران و همچنین تجار اتباع دول بیگانه، دولت مرکزی اجازه واردات تخم نوغان از خارج از ایران را صادر کرد. با واردات تخم نوغان توسط تجار اتباع عثمانی به گیلان، محصول ابریشم تا حدودی افزایش پیدا کرد، ولی چون واردات تخم نوغان تقلبی توسط بعضی از شرکت‌های غیرمعتبر، باعث ضرر نوغان‌داران گیلانی می‌شد، دولت قاجاریه دستور به معاینه تخم نوغان وارداتی در گمرک انزلی را داد. علاوه بر سیاست حکومت قاجاریه در واردات تخم نوغان، تجار اتباع دول بیگانه نیز در گیلان دست به اقداماتی چون اجاره زمین از مالکان گیلان زدند و خود اقدام به تأسیس تلمبار و کارخانه پيله خفه‌کن - خشک‌کن در گیلان کردند که این کار در دوره قاجاریه کار جدیدی از سوی تجار دول بیگانه بود. تأسیس تلمبار و وارد کردن دستگاه‌های جدید برای خفه کردن و خشک کردن پيله‌های ابریشم به روش جدید، باعث روی آوردن برخی از مالکان و نوغان‌داران گیلانی به روش جدید شد. از منظر تکنیکی، چنین به نظر می‌رسد که دولت قاجار در این دوره را - به‌رغم تنگناهای مالی و تخصصی‌اش - در احیای صنعت ابریشم نباید ناتوان‌تر از سرمایه‌گذاران و اتباع دول بیگانه دانست؛ زیرا هنگامی که تجار دول بیگانه با قوانین «اداره نظارت محصول ابریشم» در رابطه با معاینه تخم نوغان مخالفت کردند، دولت قاجار به مخالفت آنان توجهی نکرد و به کار خود ادامه داد. همچنین دولت قاجار از نوغان‌داران گیلانی در مقابل تجار خارجی که برای گرفتن قروض خود متوسل به زور شده بودند، حمایت کرد. این امر نشان می‌دهد که بهبود اوضاع نوغان‌داران گیلانی برای دولت قاجار از اهمیت زیادی برخوردار بود. با تلاش حکومت و پیگیری‌های کارگزاری امور خارجه در گیلان برای جلوگیری از اقدامات غیرقانونی بازرگانان خارجی، وضعیت نوغان‌داری تا حدودی بهبود یافت و بازرگانان خارجی ناگزیر به اطاعت از قوانین حکومتی شدند.

۸۴ / چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داران گیلان عهد ... / غفاری رودسری و ...

ضمائم

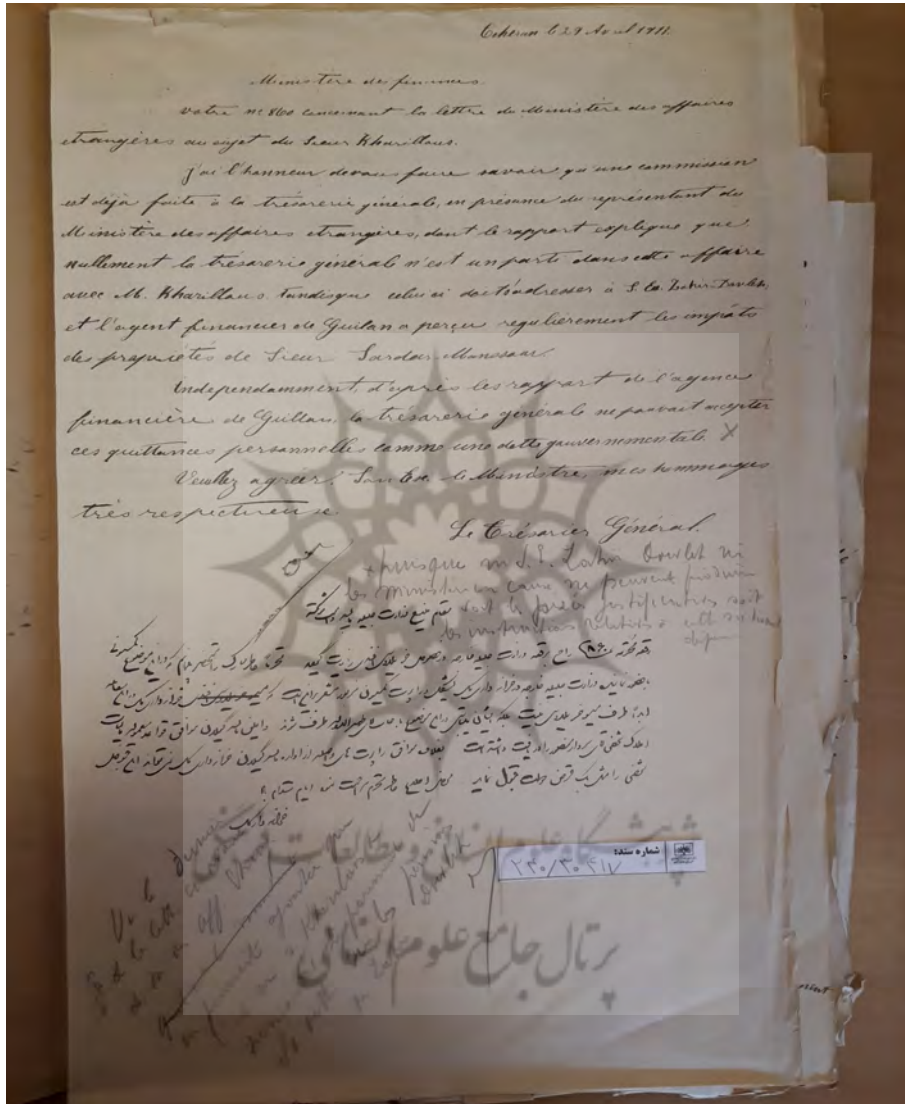
سند شماره ۱: مکاتبه وزارت مالیه با وزارت امور خارجه در خصوص اقدامات خریلوس یونانی تبعه عثمانی تاجر پيله و تخم نوغان



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۸۵

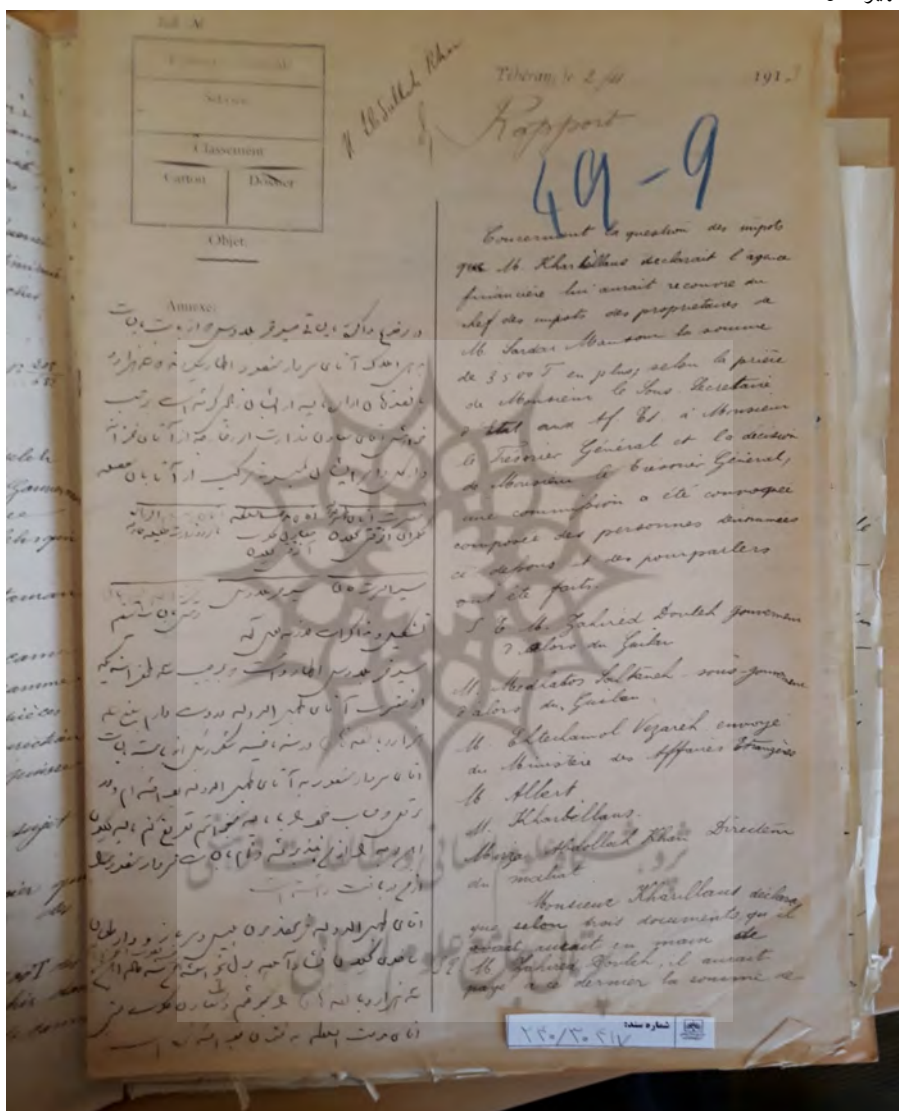
سند شماره ۲: مکاتبه در خصوص تاجر یونانی تبعه عثمانی به زبان فرانسه به همراه ترجمه

فارسی

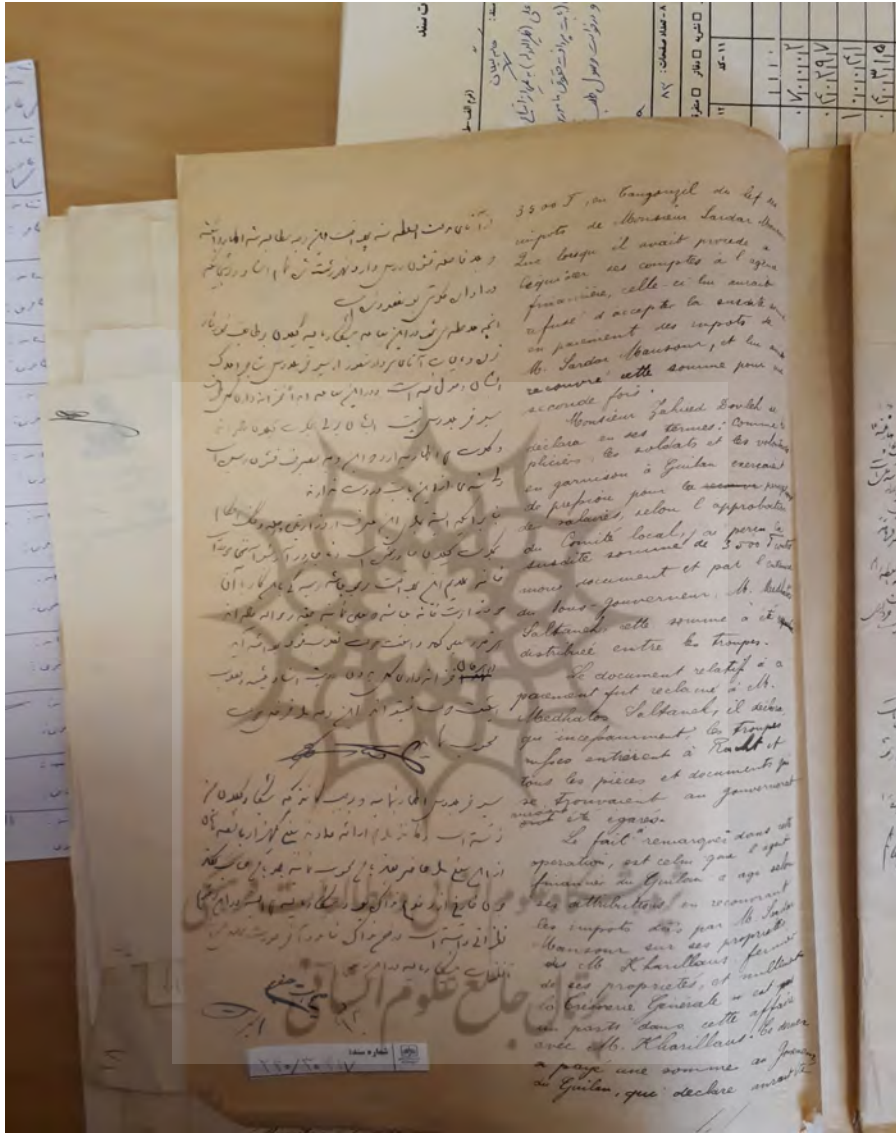


۸۶ / چالش‌ها و مسائل پیش روی صنعت تولید ابریشم و نوغان‌داران گیلان عهد ... / غفاری رودسری و ...

سند شماره ۳: مکاتبه در خصوص معاملات خریلوس تاجر یونانی تبه عثمانی با شخصی به نام ظهیرالدوله



ادامه سند شماره ۳: به زبان فرانسه و ترجمه به زبان فارسی



منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- امیری، علی (۱۳۹۴)، *نامه‌های لاستقاریدیس به میرزا قاسم شعاع‌التجار لاهیجانی*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)*: ایران و بین‌النهرین، [بی‌جا]: نشر نقش جهان.
- اینووه، ماساجی (۱۳۹۰)، *سفرنامه ایران: مسافر ژاپنی در ماوراءالنهر، ایران و قفقاز*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: طهوری.
- بنجامین، اس. جی. دبلیو (۱۳۹۱)، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۶۲)، *سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)*، تهران: اقبال.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۶۱)، *گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم)*، تهران: نشر کتاب.
- چرچیل، جورج پ. (۱۳۶۹)، *فرهنگ رجال قاجار*، ترجمه غلامحسین میرزا صالح: تهران، نشر زرین.
- دهخدا، لغت‌نامه، (نرم‌افزار)
- دین‌پرست، ولی، ناصر صدقی و سعیده سوری (شهریور ۱۳۹۴)، «مناسبات تجاری جمهوری‌های ونیز و جنوا با ایران عصر ایلخانی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۶ (پیاپی ۱۱۶)، صص ۴۹-۶۹.
- دین‌پرست، ولی (آبان ۱۳۹۰)، «کانون‌های تجارت ابریشم در دوره تیموریان و ترکمانان (قرن نهم هجری)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیست و یکم، دوره جدید، شماره ۱۱ (پیاپی ۹۵)، صص ۱-۲۴.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۷۴)، *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، ترجمه جعفر خمami‌زاده، رشت: نشر طاعتی.
- (۱۳۹۳)، *کشت برنج در گیلان و دیگر ولایات جنوب دریای کاسپین*، ترجمه جعفر خمami‌زاده، رشت: فرهنگ ایلیا.
- رابینو، ه. ل. و ف. لافون (۱۳۷۲)، *صنعت نوغان در ایران*، ترجمه جعفر خمami‌زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیف، احمد (۱۳۹۸)، *اقتصاد ایران به روایت اسناد در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- (۱۳۷۳)، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- شورمیچ، محمد (آذر ۱۳۹۴)، «نقش ابریشم گیلان در اقتصاد عصر صفوی تا پایان دوره شاه عباس اول»، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال بیستم و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۷ (پیاپی ۱۱۷)، صص ۱۲۵-۱۵۱.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران: قاجاریه (۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)*، تهران: نشر گستره.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۲ / ۸۹

فریدالملک، میرزا محمدعلی خان (۱۳۵۱)، *خاطرات فرید (۱۲۹۱-۱۳۳۴ق)*، به کوشش مسعود فرید (قراگوزلو)، تهران: زوار.

فلور، ویلم (۱۳۹۹)، *کشاورزی ایران در دوره قاجار*، ترجمه شهرام غلامی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کاووسی، محمدحسن (۱۳۸۶)، *فهرست اسناد مکمل قاجاریه*، ج ۱۳۴، تهران: نشر وزارت امور خارجه. کرزن، جرج ناتالی (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.

کسمائی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، *خاطرات ابوالقاسم کسمائی*، تهران: نشر قطره. گابریل، آلفونس (۱۳۴۸)، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تهران: سینا.

مارکوپولو، نیکولو (۱۳۵۰)، *سفرنامه مارکوپولو*، ترجمه حبیب‌الله صحیحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مشروح مذاکرات مجلس ملی (شنبه ۱۹ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۹)، دوره دوم، جلسه ۳۲۰، صورت مشروح روز.

ملک‌آرا، عباس میرزا (۱۳۵۵)، *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: بابک.

ب. اسناد

۱. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

سال سند ۱۳۱۷ هق، کارتن ۲۹، پرونده ۲۲، سند شماره ۱۵.

سال سند ۱۳۱۷ هق، کارتن ۲۹، پرونده ۲۲، سند شماره ۸.

سال سند ۱۳۱۷ هق، کارتن ۲۹، پرونده ۲۲، سند شماره ۱۵.

سال سند ۱۳۱۸ هق، کارتن ۳۰، پرونده ۲۵، سند شماره ۱۷.

سال سند ۱۳۱۸ هق، کارتن ۳۰، پرونده ۲۶، سند شماره ۳.

سال سند ۱۳۱۸ هق، کارتن ۳۰/۱، پرونده ۲۶، سند شماره ۳.

سال سند ۱۳۱۸ هق، کارتن ۳۰/۱، پرونده ۲۹، سند شماره ۸۱.

سال سند ۱۳۲۰ هق، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۴۰.

سال سند ۱۳۲۰ هق، کارتن ۲۰، پرونده ۵، سند شماره ۹۱.

سال سند ۱۳۲۰ هق، کارتن ۲۰، پرونده ۵، سند شماره ۹۵.

سال سند ۱۳۲۰ هق، کارتن ۱۵، پرونده ۲، سند شماره ۵۵.

سال سند ۱۳۲۰ هق، کارتن ۱۵، پرونده ۲، سند شماره ۵۵.

سال سند ۱۳۲۱ هق، کارتن ۶، پرونده ۵، سند شماره ۱.

- سال سند ۱۳۲۱، کارتن ۳۱، پرونده ۸، سند شماره ۵.
- سال سند ۱۳۲۱ هج، کارتن ۳۱، پرونده ۱۰، سند شماره ۲۱.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۱۲، پرونده ۱، سند شماره ۷۷.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۱۲، پرونده ۱، سند شماره ۷۸.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۴.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۳۱.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۳۵.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۱۳.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۵۹.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۶۰.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۱۸.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۲۵.
- سال سند ۱۳۲۲ هج، کارتن ۲۴، پرونده ۱۶، سند شماره ۲۶.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۲۲.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۱۳، پرونده ۷، سند شماره ۱۳۹.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۱۳، پرونده ۷، سند شماره ۲۶۶.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۱۳، پرونده ۹، سند شماره ۶۷.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۴۵.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۴۶.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۵۵.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۰۰.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۱۳.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۰۰.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۵۷.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۵۴.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۵۵.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۰۰.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۰۶.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۷۸ و سند شماره ۷۸/۱.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند به شماره‌های ۱/۷۰، ۲/۷۰، ۳/۷۰، ۴/۷۰، ۵/۷۰.
- سال سند ۱۳۲۳ هج، کارتن ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۵۴.

- سال سند ۱۳۲۳ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۷۲.
سال سند ۱۳۲۳ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۶۰.
سال سند ۱۳۲۳ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۰۳.
سال سند ۱۳۲۳ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۷۲.
سال سند ۱۳۲۳ هـ، کارت ۲۵، پرونده ۵، سند شماره ۱۹.
سال سند ۱۳۲۴ هـ، کارت ۲۴، پرونده ۶، سند شماره ۹۵.
سال سند ۱۳۲۴ هـ، کارت ۲۹، پرونده ۶، سند شماره ۱۰۹.
سال سند ۱۳۲۴ هـ، کارت ۱۲، پرونده ۷، سند شماره ۱۹۳.
سال سند ۱۳۲۶ هـ، کارت ۷۷، پرونده ۲، سند شماره ۳۱.
سال سند ۱۳۲۶ هـ، کارت ۷۷، پرونده ۲، سند شماره ۱۹.
سال سند ۱۳۲۴ هـ، کارت ۲۹، پرونده ۷، سند شماره ۶۵.
سال سند ۱۳۲۴ هـ، کارت ۱۲، پرونده ۱۰، سند شماره ۲۲۲.
سال سند ۱۳۳۵ هـ، کارت ۵۳، پرونده ۲، سند شماره ۲۰.
سال سند ۱۳۳۵ هـ، کارت ۵۳، پرونده ۱، سند شماره ۱۵.
سال سند ۱۳۳۵ هـ، کارت ۵۳، پرونده ۱، سند شماره ۱۶.
سال سند ۱۳۳۸ هـ، کارت ۵۴، پرونده ۲، سند شماره ۲.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

سال سند ۱۳۲۷ هـ، سند شماره ۲۴۰/۱۵۱۲۱.

سال سند ۱۳۲۸ هـ، سند شماره ۲۴۰/۱۵۱۲۱.

سال سند ۱۳۳۱ هـ، سند شماره ۲۴۰/۳۵۶۵.

سال سند ۱۳۳۲ هـ، سند شماره ۲۴۰/۳۰۴۷.

پ. منابع لاتین

Seyf Ahmad (Winter-Spring, 1983), "Silk Production and Trade in Iran in the Nineteenth Century", *Iranian Studies*, Vol.16, No.1/2, pp.51-71.

List of sources with English handwriting

Asnād-e Vezārat-e Omūr-e Kāreĵe:

- Document year 1317 hq.(1899), Carton 29, file 22, document No. 15.
Document year 1317 hq.(1899), Carton 29, file 22, document No. 8.
Document year 1317 hq.(1899), Carton 29, file 22, document No. 15.
Document year 1318 hq.(1900), Carton 30, file 25, document No. 17.
Document year 1318 hq.(1900), Carton 30, file 29, document No. 3.
Document year 1318 hq.(1900), Carton 30/1, file 26, document No. 3.
Document year 1318 hq.(1900), Carton ton 30/1, file 29, document No. 81.
Document year 1320 hq.(1902), Carton 25, file 5, document No40.
Document year 1320 hq.(1902), Carton 20, file 5, document No. 91.
Document year 1320 hq.(1902), Carton 20, file 5, document No. 95.
Document year 1320 hq.(1902), Carton 15, file 5, document No. 55.
Document year 1320 hq.(1902), Carton 15, file 2, document No. 55.
Document year 1321 hq.(1903), Carton 6, file 5, document No. 1.
Document year 1321 hq.(1903), Carton 31, file 8, document No. 5.
Document year 1321 hq.(1903), Carton 31, file 10, document No. 21.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 12, file 1, document No. 77.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 12, file 1, document No. 78.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 4.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No31.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 35.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 13.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No59.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 60.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 18.
Document year 1322 hq.(1904), Carton 24, file 16, document No. 25.
Document year 1322 hq.(1904), Carton ton 24, file 16, document No. 26.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 22.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 13, file 7, document No. 139.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 13, file 7, document No. 266.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 13, file 9, document No. 67.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 45.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 46.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 55.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 100.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 113.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 100.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 57.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 54.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 55.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 100.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 106.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 78 va sanad šomare71/1.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, , document No. 70/1, 70/2, 70/3, 70/4, 70/5.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 54.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 72.

- Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 60.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 103.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 72.
Document year 1323 hq.(1905), Carton 25, file 5, document No. 19.
Document year 1324 hq.(1906), Carton 24, file 6, document No95.
Document year 1324 hq.(1906), Carton 29, file 6, document No. 109.
Document year 1324 hq.(1906), Carton 12, file 7, document No. 193.
Document year 1324 hq.(1906), Carton 29, file 7.1, document No. 65.
Document year 1324 hq.(1906), Carton 12, file 10, document No. 222.
Document year 1326 hq.(1908), Carton 77, file 2, document No. 31.
Document year 1326 hq.(1908), Carton 77, file 2, document No. 19.
Document year 1335 hq.(1916), Carton 53, file 2, document No20.
Document year 1335 hq.(1916), Carton 53, file 1, document No. 15.
Document year 1335 hq.(1916), Carton 53, file 1, document No. 16.
Document year 1338 hq.(1919), Carton 54, file 2, document No. 2.
Mašrūḥ-e Moḏākerāt-e Majles-e Melī, doreh2, jalase:320, šūrat-e Mašrūḥ-e rūz-e šanbe 19 šahr-e dīq' dah al-ḥarām 1329 (1911).
Amiri, Ali, *Nāmeḥaye lasqarīdīs be Mirzā Qāsem šo 'ā ' al-tojār Lāhījānī*, Rasht, Farhang-e īlīlya.
Aubin, Eugene (1362/1983), *La perse daujourd'hui Iran mesopotamie*, translated by saeedi, Aliasghar, no place, naqš-e jāhān.
Benjamin, S. J. W (1391/2012), *Persia and the Persians*, translated by kordbache, Mohamad Hosein, Tehran, Eṭelā' āt.
Serena, Carla (1363/1984), *Hommes et chosens en Perse*, translated by Samaei, Gholamreza, Tehran, no.
Churchill, George. p (1369/1990), *Biographical notices of Persian statesmen and notables*, translated by Mirza Saleh, Gholamhosein, Tehrān, Zarīn.
Curzon, George. n (1373/1994), *Persia and the Persian question*, translated by Vahid Mazandarani, Gholamali, Tehran, 'Elmī va Farhangī.
Dinparast, Vali (1390/2011), "Centers of Iran Silk Trade during Timurids and Turkmans Period (9th Century AH)", *Journal of history of Islam and Iran*, year 21, No.11, 95, 1-24.
Dinparast, Vali, Sedqi, Naser, Suri, Saeedeh (1394/2015), "Trade Ties of Republics of Venice and Genoa with Iran in Ilkhanid Era", *Journal of history of Islam and Iran*, year 25, No. 27, 116, 49 – 69.
Farīd al-molk, Mīrza Moḥamadālī ḵān (1351/1972), *ḵāṭerāt-e Farīd (1291 – 1334hq)*, edited by Farīd (qarāgozlū), mas'ūd, Tehrān, zavār.
Floor, Willem (1399/2020), *Agriculture in Qajar Iran*, translated by Gholami, Shahram, Tehran, 'Elmī va Farhangī.
Gabriel, Alfonse (1384/1969), *Die Erforschung Persiens*, translated by Khajenori, fathali, Tehrān, sīnā.
Inoue, Masaji (1390/2011), *Chuo Ajiya Ryokoki*, translated by Rajabzadeh, Hashem, Tehran, Ṭahūrī.
Issawi, Charles (1388/2009), *The Economic history of Iran (1215 – 1332q)*, translated by Azhand, yaqub, Tehran, Gostare.
Jamalzadeh, Mohamad (1361/1982), *Ganj-e šāyḡān (Economic conditions of Iran at the beginning of the 20th century)*, Tehran, ketāb.
Kasmaei, Abo al-Qasem (1385/2006), *ḵāṭerāt-e abo al-Qāsem kasmā'ī*, Tehran, Qaṭreh.
Kavusi, Mohamad Hasan (1386/2007), list of additional Qajar documents, Tehran, vezārat-e omūr-e ḵāreje.

Malekara, 'Abās Mīrzā (1355/1976), *šarḥ-e ḥāl-e 'abās Mīrzā malekārā*, Edited by navaei, abd al-hosein, Tehran, bābak.

Marco polo (1350/1971), *The Travels of Marco Polo*, translated by Sahihi, Habib ul-lah, Tehran, Bongāh-e Tarjome va Našr-e Ketāb.

Rabino, H. L (1374/1995), *Les provinces caspiennes de la Perse: le Gilan*, translated by Khomamizadeh, Jafar, rasht, Tā'atī.

Rabino, Hyacinth Louis (1373/1994), *L'industrie sericicole enperse*, translated by Khomamizadeh, Jafar, Tehran, Mo'asese Moṭāle'āt va Taḥqīqāt-e Farhangī.

Sāzmān-e Asnād-e meli-e Irān:

Document year 1327 hq.(1909), document No240/15121.

Document year 1328 hq.(1910), document No240/15121.

Document year 1331 hq.(1912), document No240/3565.

Document year 1332 hq.(1913), document No240/3047.

Seyf, Aḥmad (1373/1994), *Iran's economy in the 19th century*, Tehran, češme.

Seyf, Aḥmad (1398/2019), *Iran's economy according to documents in the 19th century*, Tehran, češme.

Shoormeij, Mohamad (1394/2015), "Guilan silk role in the economy under the Safavid to the end of The Shah Abbas I", *Journal of History of Islam and Iran*, Year 25, No. 27, 117, 125 – 151.

Tajbakhsh, Ahmad (1362/1983), *colonial policies of Imperial Russia, England and France in Iran (in the first half of the 19th century AD)*, Tehran, Eqbāl.



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Challenges and issues facing the silk production industry and guilan Silkworm farmers 1300-1335Ah/1882-1917AD¹

Zoleykha Ghaffari Roodsari²
Mahdi Ebadi³

Received: 2023/03/13
Accepted: 2023/07/06

Abstract

During the Qajar period, Guilan occupied a central position in the Iranian economy as a leading silk producer and an important hub for the country's foreign trade across the Caspian Sea. Thanks to this importance, the region contributed significantly to the central government's revenues. However, the spread of silkworm disease in Guilan in 1277 AH /1860 AD, coupled with the Qajar government's lack of attention to the problem, led to a decline in crop production in the region. The objections of Guilan silkworm farmers and foreign businessmen based in Iran, as well as the fact that the government suffered significant financial losses due to the decline in silk production, prompted the government to take measures to increase the production of silk cocoons. This study, using a historical approach and descriptive-analytical methodology, examines the state of the silk industry in Guilan during the Qajar era from 1300-1335 AH /1882-1917 AD. It details the central government's policies and the efforts of foreign traders aimed at revitalizing this crucial industry. The research findings indicate that the government's initial step in this area was to facilitate the importation of silkworm eggs by foreign merchants from outside of Iran. The establishment of government departments dedicated to the silk industry, aimed at managing foreign trade, alongside efforts to inspire and incentivize Guilan's silkworm farmers to resume their work, were key initiatives taken to revive Guilan's silk industry.

Keywords: Guilan, Qajar period, Guilan economy, Guilan export, Silk, Rasht, Lahijan.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.43171.2767

2. Phd student, History of Islam major, International University of Islamic religions, Tehran, Iran, (responsible Author). zoleykhaghaffari@yahoo.com

3. Associate professor at the Department of History and civilization of Islamic nations, Payame noor University, Tehran, Iran mebadi@pnu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493